

بررسی مسئولیت کیفی عرضه کنندگان محصولات صنعتی در حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۰۸)

میثم رضوانیان

چکیده

در ابتدا آنچه به نظر می رسد در این قانون مورد پذیرش واقع شده، مسئولیت قراردادی است. در واقع عرضه کننده با فروش خودرو و با ارائه ضمانتنامه به خریدار متعهد می شود هر گونه نقص و عیبی که در خودرو وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از خودرو بروز نموده و کلیه خسارات وارده به مصرف کننده و اشخاص ثالث را جبران نماید. این نظر در مورد خریدار اول که در رابطه مستقیم با عرضه کننده قرار دارد قابل اعمال است اما در فرضی که زیان دیده طرف معامله نبوده و صرفاً مصرف کننده کالای معیوب باشد یا شخص ثالثی باشد که در اثر عیب کالا خسارت دیده است، استناد به قواعد مسئولیت قراردادی تقریباً ناممکن است و دعوی مسئولیت مدنی منوط به اثبات تقصیر عرضه کننده (خوانده) است و مطالبه خسارت ناشی از عیب کالا از عرضه کننده ای که از عیب کالای خود آگاه نبوده و تقصیری مرتکب نشده مطابق قواعد سنتی مسئولیت مدنی امکان پذیر نیست.

۲۶۱



واژگان کلیدی: مسئولیت کیفی، ایران خودرو، سازندگان خودرو، قطعات خودرو،

مسئولیت مدنی، تقصیر

بخش اول: ارکان تحقق مسئولیت کیفری سازندگان محصولات صنعتی

در چارچوب حقوق کیفری ایران، برای حمایت از مصرف کنندگان محصولات صنعتی که از یک محصول صنعتی صدمه می بینند، عرضه کنندگان آنها در صورت تحقق شرایطی مسئولیت کیفری خواهند داشت. مسئولیت کیفری سازندگان در مقابل مصرف کنندگان، مقید به حصول ضرر است. ضرر در لغت به معنی صدمه، زیان، خسارت، آسیب و گزند است که موضوع آن می تواند جسم، جان، روان و مال انسان باشد. ولی آیا همه آنها مشمول حمایت کیفری و موجب مسئولیت کیفری سازندگان است؟ پاسخ به این سؤال از این جهت مهم است که با وقوع صدمه به مصرف کنندگان اگر نظر بر مجرمیت سازنده داشته باشیم، تشریفات تعقیب دعوی و رسیدگی و حکم و دیگر آثار ناشی از آن کاملاً متفاوت با موردی است که سازنده فقط مسئولیت مدنی دارد.

بند اول: انواع ضرر و تأثیر هر یک بر مسئولیت کیفری

در قانون مجازات اسلامی ماده ای وجود ندارد که به صراحت بر جرم بودن صدمه به جسم و جان انسان که مشخصاً ناشی از کالای صنعتی باشد دلالت نماید؛ ولی با نظر به یک رابطه منطقی و اینکه مجازات متوقف بر وقوع جرم است و اینکه ایراد هر نوع صدمه به جسم و جان انسان، اعم از عمد یا غیر آن و با هر وسیله ای که انجام گیرد، به واسطه اینکه ضمانت اجرای آن دیه است و دیه مطابق ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی از مجازات هاست، به دست می آید که هر نوع صدمه جسمی و جانی ناشی از محصول صنعتی جرم است. این نوع جرایم (صدمات ناشی از محصولات صنعتی) که به تسبیب واقع می شوند چون عنصر روانی آن عمد نیست، شروع به جرم ندارند؛ ولی ممکن است در مراحل قبل از وقوع صدمه به منظور پیش گیری از وقوع صدمه، با شرایطی تولید و عرضه برخی کالاها جرم خاصی شناخته شوند که تحقیقاً غیر از شروع به جرم است، ولی در صورتی که صدمه ای از آنها واقع گردد، مجازات سازنده یا عرضه کننده تشدید می شود. اینکه آیا هر ضرری از محصول صنعتی عنوان مجرمانه دارد یا نه بحث دقیقی است که در ذیل به آن می پردازیم.



۱- جرم نبودن ضررهای مالی: در مجموعه قوانین کیفری ایران که با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، جرایم به طور حصری احصا و فهرست شده‌اند، زیانهای مالی ناشی از کالای صنعتی عنوان خاص مجرمانه‌ای ندارد. شاید با نظر به تلف مال، در نگاه اول، به نظر برسد که زیان مالی از کالای صنعتی مصداق جرم تخریب است؛ ولی تحقیقاً این چنین نیست، زیرا رفتار مجرمانه تخریب، عمل مادی مثبت است، در حالی که حوادث زیانبار ناشی از کالای صنعتی بعضاً از تفریط و ترک فعل سازنده در ساخت کالا و رفع عیب آن است.

دیگر اینکه عنصر روانی جرم تخریب را سوء نیت عام و خاص تشکیل می‌دهد، در حالی که عموماً هیچ کدام در زیان مالی ناشی از کالای صنعتی وجود ندارد. بنابراین باید بگوییم به لحاظ فقدان رکن روانی، صرف زیان ناشی از کالای صنعتی جرم نیست. البته تردیدی نداریم سازنده نسبت به جبران خسارات وارده مسئولیت مدنی خواهد داشت که رسیدگی به آن باید مطابق با مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل آید و اگر صدمه بدنی ناشی از کالای صنعتی، همراه با خسارات مالی به مصرف کننده باشد، در عمل به ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، می‌توان در ضمن رسیدگی جزایی به دعوی مدنی خسارت دیده هم رسیدگی کرد.

۲- جرم نبودن ضررهای معنوی: صرف نظر از اینکه در قانون دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مطالبه ضرر معنوی از عداد ضررهای قابل مطالبه حذف گردید، با عنایت به صراحت اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی و دیگر مقررات، ضرر معنوی قابل مطالبه است؛ اما آیا ایراد ضرر معنوی جرم است؟ اگر ضرر معنوی به اعتبار تعریف مذکور در ماده

آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰، کسر حیثیت و اعتبار و صدمات روحی است، در مواردی که به صراحت شریعت مقدس، اسلام برخی از آنها مثل توهین، غیبت، تهمت و قذف گناه بوده، در قانون جزایی عنوان جرم دارد، اما هیچ یک نمی‌تواند بر زیان معنوی ناشی از کالای صنعتی صادق باشد و اگر در قوانین مختلف به ضرر معنوی اشاره شده است، تحقیقاً قانون گذار در مقام بیان ضمانت اجراهای کیفری نبوده است؛ بلکه همان طور که از سیاق این قوانین بر می‌آید، نظر بر جبران صدمات معنوی با مقدار معینی مال است که نه به عنوان

مجازات، بلکه به عنوان جبران ضرر و زیان ناشی از جرم یا غیره به متضرر داده می شود. گذشته از آن، وقتی برای عضو یا جراحی دیه تعیین شده است، مطالبهٔ مازاد بر آن فاقد مجوز شرعی است هرچند در این خصوص تردیدهایی وارد است.

۳- جرم بودن ضررهای بدنی: در مجموعهٔ قوانین حاکم بر ایران، صرف ایراد صدمه به بدن انسان به هر شکل و اثری اعم از قتل، جرح، قطع و ضرب، به شرط اینکه به کسی منتسب باشد، خواه به مباشرت خواه به تسبیب و ناشی از فعل یا ترک فعل باشد، برخلاف دیگر موارد، جرم و موجب مسئولیت کیفری است (مشروط به اینکه داخل در شمول عوامل موجههٔ جرم نباشد)؛ زیرا قانون گذار برای عامل این واقعهٔ آسیب به بدن انسان، مجازات در نظر گرفته است. حداقل مجازاتی که در قانون ایران برای منتسب الیه در نظر گرفته شده است دیه یا حسب مورد ارش است و به اعتبار درجهٔ عنصر روانی، یعنی تقصیر یا عمد که در واقع بر خطرناکی شخص در ارتکاب رفتار دلالت دارد، مجازات وی تشدید می گردد.

در این خصوص تذکر این نکته لازم است که در فقه اسلامی و حقوق ایران که گناه و جرم، فرع بر ارتکاب رفتار منع شده است، تحمیل دیه بر کسی دلیلی بر مجرم بودن او نیست مرتکب عملی که به دیگری صدمه وارد کرده، نشده است.

بند دوم: اوصاف ضرر موجب مسئولیت

۱- ضرر بدنی: آسیب ناشی از کالا باید به بدن انسان وارد آید تا موجب مسئولیت کیفری سازنده و حمایت از مصرف کننده شود. منظور از آسیب یا خسارت، صدماتی است که منجر می شود به از هاق نفس (قتل)، قطع، شکستگی، جرح، ضرب، از بین رفتن منافع عضو و هر یک از انواع جراحات به سر و صورت و درون انسان، به طوری که از نظر قانونی یا شرعی بتوان آسیب دیده را مستحق دیه یا ارش دانست.

۲- ضرر قطعی: پرداخت دیه یا ارش به عنوان مجازات در مقابل ضرر به بدن انسان است. بنابراین بر اساس احتمال، شک، ظن و حتی قطع به وقوع خسارت به بدن در آینده، نمی توان سازنده را به جرم صدمه به بدن مسؤول تادیه دیه دانست. البته ممکن است در مواردی به برخی از اعضای بدن مصرف کننده خسارت وارد شده باشد ولی نتوان مقدار دیه را بلافاصله تعیین



نمود. در این صورت به واسطه وقوع ضرر، جرم واقع شده است، ولی اندازه مجازات دیه به عهده سازنده، قطعی نیست و باید مطابق با برخی از موارد قانون مجازات اسلامی، مثل ماده ۴۴۲ دیه یا ارش را پس از نتیجه درمان تعیین کرد.

۳- ضرر مستقیم: با نظر به وحدت ملاک از ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر اینکه در صورتی دادگاه حکم به خسارت می دهد که مدعی خسارت ثابت نماید که ضرر به او وارد شده و این ضرر بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد بوده است، مستفاد می گردد که علت صدمه باید مستقیم و بی واسطه متوجه مصرف کننده شده باشد. بنابراین اگر این علت، کالای صنعتی باشد، سازنده ضامن خواهد بود.

بخش دوم: بررسی و موشکافی محصول صنعتی

جزء دیگر مسئولیت کیفی سازندگان محصول صنعتی این است که ضرر، ناشی از کالای صنعتی باشد، که از این جهت توجه به مسائل زیر لازم است:

در مجموعه مقررات استاندارد بین المللی، منظور از محصول، ماحصل فعالیتها یا فرایندهایی است که ممکن است ملموس یا غیر ملموس یا ترکیبی از هر دو باشد. مثل سخت افزارها، مواد اولیه و حتی برخی از خدمات و مقصود از صنعتی که منسوب به صنعت است، ساختن حرفه ای اشیاء، طی فرایند خاص است. در نتیجه، محصول به آن دسته از کالاهایی اطلاق می شود که انسان به واسطه دانش فنی خود، آنها را با ایجاد ارزش اضافی بسازد. با این توصیف، بسیاری از محصولات طبیعی و کشاورزی و یا خدمات انسانی از قبیل بیمه و بانکداری که ملازمه با تغییر شکل یا کار مستقیم انسان با اشیاء ندارد، خارج از مفهوم و مصادیق محصول صنعتی قرار می گیرند. با این حال باید گفت ذکر عنوان محصول صنعتی بر اشیاء و خدمات پیرامون انسان تا حدودی به عرف و قضاوتهای عمومی بستگی دارد.

بند اول: ملاک ارتباط سازنده با محصول صنعتی

عموماً مسئولیت کیفی، فرع بر احراز رفتار، اعم از فعل یا ترک فعل شخصی است که در قانون برای آن، عنوان مجرمانه در نظر گرفته شده است؛ ولی ممکن است این نوع مسئولیت هم از فعل دیگری ناشی گردد که مصداق بارز آن رابطه کارگر و کارفرما است مسئولیت ناشی از



اشیاء باشد که در صورت انتساب به متصرف و یا صاحب آن موجب ضمان است؛ لیکن در اینجا بحث این است که وقتی محصول صنعتی در تصرف مصرف کننده قرار دارد، با لحاظ بعد زمان و مکان چگونه می توان بین محصول صنعتی با سازنده ارتباط برقرار کرده آن را منتسب به سازنده دانست؟ در پاسخ به نظر می رسد با توجه به فرمایش صاحب مکاسب مبنی بر اینکه انسانها در برابر کالای سالم عرفاً حاضر به پرداخت وجه می شوند و در واقع سازنده با ارائه تولید خود، صرف نظر از هر مصرف کننده ای، به طور ضمنی به حسن کارکرد و ایمنی محصول صنعتی از عیوب و حادثه تعهد کرده است، از این جهت می توان گفت محصول صنعتی در طول عمر عرفاً مفید خود، در تحت فعالیت و اداره غیر مستقیم سازنده قرار دارد و اگر زیانی از محصول صنعتی به هم رسد، مشارالیه و حتی فروشنده و وارد کنندگان این نوع محصولات از باب قواعد فقهی تسبیب و غرور (المغرور یرجع الی من غره) در برابر صدمه دیدگان مسئولیت دارند، هر چند عامل صدمه، جاهل به وقایع احتمالی باشد.

مگر اینکه عامل خارجی حادث گردد و این رابطه را قطع کند که در این صورت محصول از اداره و ارتباط با سازنده خارج است

بند دوم: اسباب عینی ضررهای ناشی از کالای صنعتی

برای وقوع یک حادثه ناخواسته ناشی از یک محصول صنعتی، از نظر فیزیکی و مادی ممکن است عوامل مختلفی دخالت داشته باشند که در واقع از "شرایط" وقوع صدمه اند. ولی از نظر عرفی عامل عینی مولد ضرر ناشی از محصول صنعتی، محدود به یک یا چند عامل خاص مؤثر در نتیجه است که "سبب" نامیده می شود و عموماً به سازنده منتسب است:

۱- عیب: به رغم اینکه عیب، مباحث زیادی از حقوق مدنی را به خود اختصاص داده است، در قانون ایران تعریفی برای آن بیان نشده است، لیکن به استناد ماده ۴۲۶ قانون مدنی ایران تشخیص عیب به عرف و عادت واگذار گردیده است. بر این اساس به نظر می رسد کالایی معیوب محسوب می گردد که نوعاً مصرف کننده نتواند از آن استفاده متعارف را بنماید و یا احیاناً بر خلاف انتظار، قراردادی موجب آسیب به مصرف کننده شود. از این رو خسارات یا صدماتی که از طبیعت کالا ناشی می شود و نوعاً قابل انتظار یا پیش بینی است، عیب تلقی نمی



شود و مسئولیتی را متوجه سازنده آن نمی‌کند. مثلاً نمی‌توان کارخانه شکلات سازی را مسئول فساد دندانه‌های ناشی از شکر مورد استفاده در شکلات دانست. زیرا متعارف است که در طبیعت شکلات، شیرینی و استفاده از شکر است و حتی می‌توان گفت که اگر عیوب ظاهر و پنهانی که مورد خواسته و معلوم مصرف کننده بوده است، سبب صدمه به وی گردد، موجب مسئولیت برای سازنده نیست و همین طور است حوادث حاصل از عیوبی که در زمان تصرفات مصرف کننده از کالا ناشی شده باشد.

اینکه عمر مفید و قابل استفاده یک کالا چقدر است، به نظر سازنده یا قرارداد وی با مصرف کننده و در غیر آنها به عرف استفاده از آن بستگی دارد. ولی به هر صورت، سازنده در طول عمر یک کالا از جهت حوادث قابل پیش بینی که ناشی از عیب آن باشد و در قانون ایران حسب نوع با ماهیت حادثه، مالی یا جسمی باشد، مسئولیت کیفری یا مدنی دارد.

۲- عدم ارائه اطلاعات کامل: گاهی حسن استفاده از محصول صنعتی مستلزم توجه به دستورالعمل‌های ویژه‌ای است که به موجب آنها، استفاده کننده هم از قابلیت و نحوه استعمال محصول صنعتی و هم از خطرات احتمالی و پیش بینی پذیر و پیش گیری آن آگاه می‌گردد، مبنای تکلیف به آگاه سازی از نحوه کار و خطرات کالا در حقوق فرانسه، به مواد ۱۱۳۵ و ۳/۱۱۲۴ قانون مدنی ناشی از عرف و حسن نیت عرضه کنندگان مستند است، ولی در حقوق ایران، مستفاد از ماده ۳۶۷ قانون مدنی، آگاه سازی یکی از شرایط صحت تسلیم مبیع است و در غیر این صورت تسلیم به طور کامل محقق نگردیده است صرف نظر از این آثار مدنی، عدم راهنمایی و هشدار به مصرف کننده یا راهنمایی‌های ناقص یا غلط به وی، در صورت وقوع صدمه به جسم و جان می‌تواند از باب تسبیب، موضوع مباحث جزایی هم قرار بگیرد.

البته ضابطه ابلاغ راهنماییها و هشدارهای لازم، عرف و عادات عمومی است؛ مثلاً در مواردی مثل راندن اتومبیل، آگاه سازی از مهارت‌های رانندگی از عرف و قانون خارج از وظیفه سازنده است و حتی در خصوص بعضی از کالاها مثل دستگاه "C.N.C" که مخصوص تراش قطعات با استفاده از رایانه است، دانش فنی استفاده از این دستگاه، مستقل از آن، عرضه



و به فروش می رسد، لذا بدون تجهیز افراد به آن، هرگونه صدمات و ضمان ناشی از استفاده این کالای صنعتی متوجه سازنده آن نیست.

۳- به کار اندازی نامناسب: امروزه ایمن سازی عرفی کالاهایی که در دسترس و استفاده عموم است، بخشی از وظایف سازندگان محصولات صنعتی است و بعضاً محصولات را، به صرف ارائه اطلاعات و هشدارهای همراه یا الصاقی، اگر از تجهیزات ایمنی عرفی عاری هستند، نباید در دسترس عموم قرار داد. مثلاً آسانسوری که در یک ساختمان نصب می شود، باید از آنچنان قابلیتی برخوردار باشد که برای استفاده کننده آن، صرف نظر از توجه به اطلاعات الصاقی، خطر آفرین نباشد. زیرا کسانی که از آسانسور استفاده می کنند، فقط افراد باسواد و هوشیار از اطلاعات الصاق شده نیستند و ممکن است افراد بی سواد، بچه یا پیرمرد هم بخواهند از این وسیله استفاده کنند که در این صورت، آسانسور نباید موجب آسیب و صدمه استفاده کنندگانش گردد، مگر اینکه استفاده کننده در وقوع ضرر به خود، تعمد یا تقصیر داشته باشد.

بند سوم: انتساب ضرر به سازنده

نسبت دادن و ایجاد ارتباط بین واقعه مجرمانه با شخصی که عامل آن است از مهم ترین عناصر تشکیل دهنده هر جرم است، به طوریکه با نبود آن و عدم احراز علت و معلولی عرفی بین واقعه مجرمانه با شخص نمی توان گفت که اساساً جرمی واقع شده است. با این توصیف، اشخاص ممکن است به یکی از دو جهت مباشرت یا تسبیب منتسب الیه وقایع مجرمانه واقع گردند که چون عموماً سازندگان و توزیع کنندگان محصولات صنعتی مستقیماً یا باصطلاح بالمباشرت عامل وقایع مجرمانه ناشی از محصولات صنعتی نیستند. این بحث سالب بانتفاء موضوع است و باید از طریق تسبیب بین واقعه مجرمانه ناشی از محصولات صنعتی با توزیع کنندگان یا تولید کنندگان آن ارتباط برقرار کرد که مباحث زیر را می طلبد.

بند چهارم: تسبیب

تسبیب از نظر قانونی عبارت است از اینکه «انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که اگر نبود، جنایت حاصل نمی



شد» مستفاد از این تعریف، زمانی که رفتار کسی تاثیر اقوی در وقوع حادثه یا نتیجه مجرمانه داشته باشد، سبب شناخته می شود که ممکن است به عمد یا به تقصیر باشد. در خصوص بحث، قابل توجه است که صرف حادثه و وقوع مصدومیت ناشی از کالا بر سوء عملکرد و وجود عیب در آن دلالت دارد و انتساب آن به سازنده به ظاهر و بدون نیاز به دلیل و اثبات تقصیر وی، ثابت است و لذا نه تنها به اثبات تقصیر (سوء عملکرد و وجود عیب در کالا) نیازی نیست، بلکه مجالی هم برای سازنده، جهت توسل به اصل برائت وجود ندارد، مگر اینکه در نزد قانون گذار وقوع جرم و مجرمیت سازنده، منوط به اثبات تقصیر یا قصد وی در ایجاد سبب باشد که در این موارد، موجب تشدید مجازات علاوه بر دیه است؛ البته اگر سازنده خلاف امر واقع را مدعی گردد، باید دلیل بیاورد به اینکه مثلاً دخالت غیر مجاز مصرف کننده یا شخص ثالث به هر عنوانی اعم از تعمیر کار یا سازندگان دسته دومی که کالاهای خود را تجهیز به محصولات وی می کنند و یا قوه قهریه، تأثیر اقوی در وقوع نتیجه داشته و سبب حادثه بوده است که در این صورت از مسئولیت مبری می گردد.

نکته دقیق و قابل تأمل این بحث، انتساب حادثه یا مصدومیت ناشی از کالا به فعل یا ترک فعل سازنده است که متوقف بر قضاوت های فنی و عرفی بدون توجه به مباحث عنصر روانی است و در مواردی فقهای عظام هم به آن توجه کرده اند:

صاحب جواهر ضمان سازنده کشتی را که در اثر سوراخ شدن کشتی غرق می شوند به خاطر تقصیر او می داند. همین طور صاحب شرح لمعه صنعتگر را، به استناد اطلاق فرمایش امام صادق (ع): «کل اجیر یعطی الاجرة علی ان یصلح فیفسد فهو ضامن»، به رغم جهد، ضامن صدمه مصنوعش به دیگران می داند؛ هر چند ممکن است برخلاف این نظر، گفته شود که این روایت دلالت دارد بر عدم ضمان تعمیر کار نسبت به خراب کردن کالایی که برای تعمیر به او سپرده شده است. ولی صرف نظر از تفسیر اخیر، بر این اساس اگر زیان دیده صرفاً اثبات کند که حادثه از کالایی ناشی بوده که مطابق قرارداد یا عرف، مجاز به استفاده از آن بوده است، به نظر می رسد که تسبیب در صدمات ناشی از محصولات صنعتی مبتنی است بر مفهوم نظریه مسئولیت عینی در فرض تقصیر قابل رد.





بخش سوم: نقش عوامل خارج از کالا در بروز ضرر

منظور از عوامل خارج از کالا آن دسته از عواملی است که مانع از ایجاد رابطه بین محصول صنعتی با سازنده آن گردد و از نظر عرفی، سبب انحصاری ورود صدمه به مصرف کننده باشد که در نتیجه، انتساب ضرر ناشی از محصول صنعتی به سازنده، سالب به انتفاء موضوع است.

۱- قوه قهریه: غالباً غرض از قوه قهریه، قوای طبیعی مانند طوفان، سیل، زلزله و از این قبیل حوادث است که در وقوع آنها انسانها دخالت ندارند. با وحدت ملاک از ماده ۲۲۸ قانون مدنی مبنی بر اینکه متخلف از انجام تعهد وقتی به خسارت محکوم می شود که نتواند ثابت نماید عدم انجام تعهد به واسطه علت خارجی بوده است که نمی-تواند مربوط به او باشد و در ماده ۷ لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان نیز بدین شرح مورد ملاحظه قرار گرفته است، «هر گاه عرضه کننده کالا یا خدمات ثابت نماید که همه احتیاطهای لازم را در تولید و عرضه کالا و خدمات به کار برده و عیبی که در کالا یا خدمت وجود داشته، ناشی از حادثه خارجی است که هیچ عرضه کننده حرفه ای کالا و یا خدمت قادر به پیش بینی و دفع آن نبوده است از مسئولیت مبری خواهد شد»، برای عدم انتساب صدمه به سازنده، لازم است که اولاً حوادث ناشی از قوه قهریه از لحاظ فنی یا عرفی قابل پیش بینی و پیش گیری نباشند، مثلاً چون در ساختمانهای بلند، احتمال برق گرفتگی ناشی از صاعقه وجود دارد، اگر به طریقه فنی، مثل استفاده از رسانه فلزی، اتصال جریان برق به زمین هدایت نشود و با آمدن صاعقه ساختمان تخریب گردد، سازنده نمی تواند در این خصوص برای تبرئه خود به قوه قهریه استناد نماید؛ ثانیاً قوه قهریه مانع انجام تعهد سازنده به عملکرد محصول صنعتی باشد و لذا اگر قوه قهریه اخلاقی در کارکرد و فعالیت محصول صنعتی ایجاد نکند، توجیهی برای انتفای مسئولیت سازنده نیست و ثالثاً سازنده در ایجاد قوه قهریه از روی عمد یا تقصیر دخالت نداشته باشد، هر چند که مسئولیت او به موجب قانون مفروض باشد.

۲- اقدام غیر مجاز مصرف کننده: در مباحث فقهی و مدنی، قاعده ای وجود دارد به نام قاعده اقدام که به موجب آن، کسی که باعث ضرر به مال خود شود، دیگری مسؤول جبران خسارت وی نیست. در اینجا هر چند اضرار و صدمه علیه جسم و جان خود تخصصاً از شمول

این قاعده خارج است، اگر شخص مصرف کننده به واسطه اقدامات غیر مجاز خود یا به رغم علم به عیب و نقص کالا و یا به واسطه استفاده از کالا در خارج از عمر قراردادی یا عرفاً مفید آن، در ایجاد حوادث خطرناکی که منجر به صدمه و فوتش شده است دخالت داشته باشد، با نظر به آیه شریفه «لاتزر وازره وزر اخری» و اصل شخصی بودن مجازاتها منطقی و عقلایی نیست که سازنده را مسؤول آن بدانیم؛ لذا رفتار مصرف کننده را می توان تحت عنوان اقدام علیه خود که ماهیت مشترکی با قاعده اقدام در مباحث مدنی دارد، عامل و علت صدمات وارده بر خودش دانست.

۳- دخالت شخص ثالث: شخص ثالثی که مستقل و غیر مأذون از سازنده، در تنظیم و عملکرد کالا دخالت می نماید و در نتیجه آن حادثه ای بر مصرف کننده وارد شود، به واسطه اینکه حادثه منتسب به اوست، مسئولیت خواهد داشت، مگر اینکه به رغم دخالت او، حادثه متأثر از عمل وی نباشد که در این صورت ضامن نیست.

بند اول: مسئولیت کیفی سایر اشخاص مرتبط با محصول صنعتی

به غیر از کسانی که مستقیماً در تولید یک کالای صنعتی و عرضه آن به مصرف کننده دخالت داشته اند، ممکن است اشخاص دیگری هم در ساخت و توزیع آن نقش داشته باشند.

۱- توزیع کنندگان: مطابق با ماده ۲ قانون نظام صنفی، هر فرد صنفی مسئول کیفیت محصولی است که عرضه می کند؛ بنابراین عمده فروشان، خرده فروشان، واسطه گران و واردکنندگان که به استناد بند ماده ۴ این قانون، فرد صنفی محسوب می شوند، هر چند در جریان طراحی یا تولید کالا دخالتی نداشته باشند، در مقابل ضررهای وارد به مصرف کنندگان مسئولیت خواهند داشت. بدون تردید، وقایع زیانبار و مسئولیت ناشی از آن بر این افراد هم بر اساس تسبیب توجیه پذیر و انتساب شدنی به آنها است؛ زیرا این افراد، هر چند به عیب یا حوادث احتمالی جاهل بوده باشند، از باب غرور شدنی، موجب استفاده مصرف کنندگان از کالاها و در نتیجه، زیان به آنها گردیده اند و با لحاظ سبب اقوی از مباشر، حوادث به آنها و ایادی قبلیشان منتسب است. در این صورت هر یک از این توزیع کنندگان، پس از تحمل جبران ضرر (دیه) در مقابل مصرف کنندگان مصدوم، مستحق اخذ آن از ایادی قبلی خود خواهند بود. تحقیقاً رابطه این



اشخاص با هم، به جهت اینکه هیچ یک از آنها مجنی علیه واقع نبوده اند، مطابق با قواعد مدنی است. گاهی مشاهده می شود که سازندگان یا فروشندگان در خصوص کالاهای خود ضمانتنامه هایی را در اختیار خریداران قرار می دهند که مفاد آنها راجع به تضمین تعویض خود کالا یا قطعاتی از آن در مهلت معینی بلاعوض یا با عوض است و اساساً چون در آنها بحثی از مسؤولیت و عواقب سوء ناشی از کالا نمی شود، ارتباطی با موضوع مقاله ندارد و اگر هم مطلبی در این خصوص بیان شده باشد، ماهیت مدنی دارد و صرفاً در خصوص امور مالی لازم الاتباع است، ولی در مورد صدمات جسمی و جانی به لحاظ امری بودن قانون جزا هیچ گونه اعتباری نخواهد داشت. اما اینکه تا چه زمانی مصرف کنندگان مصدوم از کالا مستحق اخذ خسارت از فروشندگان خود خواهند بود، در قانون اشاره نشده است؛ ولی تحقیقاً قرارداد و در غیاب آن عرف، مهلت مجاز استفاده دائم یا موقت را در اختیار مصرف کنندگان می گذارد. درباره فروشندگان غیرحرفه ای نیز در صورتی حوادث ناشی از کالا منتسب به آنهاست که در کالا دخل و تصرف نموده و یا از ارائه اطلاعات یا هشدارهای لازم خودداری کرده باشند.

۲- کار فرمایان: مستند به ماده ۹۵ قانون کار ایران مصوب ۱۳۶۹، اگر کارگری به دستور کارفرما کالایی را بسازد و در اثر آن به کسی صدمه ای برسد، در صورت اثبات عدم رعایت مقررات فنی، کارفرما مسؤولیت کیفری و مدنی دارد. هر چند این نوع مسؤولیت (مسؤولیت نیابتی یا ناشی از فعل غیر) در حقوق، استثنایی بر اصل و محدود به موارد منصوص قانونی است، مسؤولیت مدیران از باب سبب اقوی از مباشر در تولید و ارائه کالایی معیوب قابل توجه است؛ زیرا وقتی کارگران تحت امر و مراقبت مدیران خود فعالیت می کنند، خطای آنان رافع مسؤولیت مدیران در توجه و مراقبت به کار کارگران نیست و همین طور تعهد مدیران در مقابل مصرف کنندگان، تعهد به نتیجه و ایمنی و حسن کارکرد محصول است و اگر مصرف کننده ای به آن مغرور شود و از این جهت صدمه ای ببیند، مستحق جبران خسارات وارد به خود خواهد بود.



۳- اشخاص حقوقی: اشخاص حقوقی اشخاصی فرضی و اعتباری اند که فقط در حدود اساسنامه و مقررات حاکم بر کشور، هویت و حق و تکلیف دارند و خارج از آن، شخصیت و موجودیت فرضی ندارند. از این رو در خصوص مسئولیت آنها باید قائل به تفکیک شد؛ یعنی با نظر به واقعیت و اینکه فقط اشخاص حقیقی مرتکب جرم می شوند، اصل کلی این است که اشخاص حقوقی مرتکب جرم نمی شوند، مگر اینکه قانون گذار به صراحت، جرمی را به دست آنها ارتکاب پذیر و به آنها انتساب دادنی بداند و مجازاتهایی را متوجه آنها نماید. این توصیف، در ایران، در صورت وقوع حوادث ناشی از کالا و با فقد عنصر قانونی، مطابق با اصل، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مثل شرکتها، از باب تسبیب یا مباشرت صدمه به مصرف کننده، طرح شدنی نیست و در این خصوص، مدیران مسئولیت کیفری خواهند داشت، مگر اینکه در این مورد، نص قانونی خاصی داشته باشیم. اگر گفته شود که شرکتهای تولیدی از اقسام افراد صنفی اند و چون هر فرد صنفی هم به لحاظ قانون، مسئول کیفیت کالای خود است، شرکتها به عنوان فرد صنفی، مسئولیت خواهند داشت، در پاسخ می توان گفت این اندازه ذکر مسئولیت در قانون، ناظر به مسئولیت کیفری نیست؛ زیرا مسئولیت کیفری مربوط به رفتاری است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد و لذا منظور از مسئولیت فرد صنفی، مذکور در ماده ۲ قانون نظام صنفی، اشاره به مسئولیت مدنی است.

بخش چهارم: مجازات عرضه کنندگان محصولات صنعتی

با لحاظ ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که ضمانت اجرای رفتارهای مجرمانه را مجازات دانسته است، چنانچه با تمامی شرایط لازم، از محصول صنعتی به شخصی صدمه ای برسد، در واقع جرمی واقع شده است باید عامل این جرم را متحمل مجازات بدانیم.

بند اول: عوامل مؤثر در تعیین مجازات عرضه کنندگان

بخش مهمی از سیاست کیفری هر نظام حقوقی توجه به نوع و میزان مجازاتهاست. در مورد سازندگان محصولات معیب صنعتی، عوامل و نیروهای مختلفی در اراده قانون گذار به تعیین دخالت دارند که عموماً مهم ترین آنها درجه تقصیر و میزان صدمات وارده و نوع کالای موجب صدمه است. چنانچه سبب وقوع جرم با قصد حصول نتیجه مجرمانه ایجاد شده باشد،



تسبیب عمدی است که تحقیقاً سازندگان از ساختن کالای خود هرگز اینچنین قصدی را ندارند، ولی ممکن است صرف نظر از قصد نتیجه، تعدد در ایجاد سبب داشته باشند که در این صورت، قانون گذار نسبت به برخی از کالاها به لحاظ اعتمادی که مصرف کنندگان به آنها دارند، حساسیت ویژه و مجازات خاصی برای عرضه کنندگان در نظر گرفته است. مثلاً در گذشته، مطابق ماده ۱۸ قانون مربوط به امور پزشکی مصوب ۱۳۳۴ در خصوص دارو و به لحاظ حساسیت و اعتمادی که مریض برای درمان خود به سازندگان آن دارد، مجازات سازندگان یا توزیع کنندگان مواد دارویی فاسد و تقلبی که منجر به فوت یا یکی از علل فوت یا صدمه گردد، اعدام، حبس دائم یا حبس موقت است یا در مورد کالاهای مشمول استاندارد اجباری که بدون توجه به این مقررات، ساخته یا عرضه شوند و در نتیجه استفاده از آن به مصرف کننده صدمه ای برسد، حسب مورد، مطابق ماده ۱۲ قانون اصلاح قوانین استاندارد مصوب ۱۳۷۰، سازنده به مجازات دیه و حبس و جریمه محکوم خواهد شد یا اگر سازنده به منظور القای شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات، از نام و علائم استاندارد ملی یا بین المللی استفاده نماید، در اجرای ماده ۵۲۵ قانون تعزیرات، به ده سال حبس محکوم می گردد.

بدیهی است در موارد فوق که وقوع صدمه همزاد و متوقف بر وقوع جرایم دیگری است که جنبه عمومی دارد، دادستان و با اجرای قانون دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ در مناطقی که هنوز مقررات دادرسی به اجرا در نیامده است، قاضی محکمه با کمک دستگاههای ذی نفع در رعایت مقررات بهداشت و استاندارد، سعی در حفظ قانون می کند که از قبل آن در جریان دادرسی، مجنی علیه به عنوان شاکی خصوصی از آن منتفع می گردد و فقط او باید ثابت نماید که صدمه وارده به وی ناشی از این کالا بوده است. لیکن در غالب موارد، سازنده تعددی در ایجاد سبب ندارد. در این صورت اگر هر یک از شاخصهای تفسیر سازنده در ساختن کالای صنعتی اثبات گردد و این کالا موجب قتل شود، عمل سازنده به لحاظ تفریط در نفس، در حکم خطای شبه عمد است. و در اجرای ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی، مشارالیه به مجازات دیه و حبس محکوم می گردد.



به غیر از مورد فوق، در صورتی که صرفاً استفاده کننده اثبات نماید از کالایی صدمه دیده است، به عنوان یک قاعده کلی می توان گفت از آنجا که در رکن روانی فعالیت سازنده محصولات صنعتی، قصد ایراد صدمه نیست، جرم حاصله عمدی نخواهد بود و ظاهراً وی به عنوان مسبب، عامل صدمه به مصرف کننده تلقی می شود؛ مگر اینکه سازنده بر خلاف ظاهر مدعی شود و اثبات نماید که علت حادثه، اقدام غیر مجاز مصرف کننده یا قهریه و دخالت غیر مأذون شخص ثالث بوده است. در این صورت از مسؤلیت مبری می گردد. اما اگر سازنده نتواند انتساب حادثه به غیر از خود را اثبات نماید، بدون تردید مصدوم، مستحق جبران خسارت بر خود است؛ چون ظاهر واقعه از عیب پنهان کالا حکایت دارد و اماره ای است بر تعدی و تفریط سازنده در ساختن آن. لذا عمل وی به دلالت ظاهر، مثبت تقصیر سازنده است و هم او باید از عهده دیه بر آید.

البته اگر سازنده نتواند وقوع حادثه را به غیر از خود انتساب دهد و به عبارت دیگر اگر در تحقق صدمه ناشی از کالا تردیدی نباشد، ولی سازنده بتواند عدم تعدی و تفریط خود را اثبات نماید، عمل او خطای محض محسوب می شود و فقط در صورت اقرار به انتساب صدمه به خود، متحمل جبران صدمات وارده به مصرف کننده است و گرنه خیر.

بند دوم: بدل صدمات ناشی از محصولات صنعتی

در ابتدا باید بگوییم که بدل ممکن است جعلی یا واقعی باشد: منظور از بدل جعلی همان عوضی است که در قانون یا عرف یا قرار داد معین شده است و منظور از بدل واقعی مثل یا قیمت واقعی خسارت وارده است. واضح است که بدل واقعی، یعنی مثل یا قیمت واقعی برای جرم و صدمات به انسان وجود ندارد و لاجرم بدل جرم بر مصرف کنندگان از کالای صنعتی باید بدل جعلی باشد که در قانون، عنوان دیه یا ارش دارد. شاید بدین طریق بتوان تا اندازه ای اسباب تسکین آلام و تسریع درمان مصدوم را فراهم آورد؛ به ویژه اینکه میزان صدمه هر قدر هم ناچیز باشد، به انحاء مختلف ممکن است مزاحم و مانع فعالیتهای اقتصادی شخص مصدوم گردد و با نظر به مالکیت خصوصی و علاقه نوعی مردم به آن، چاره مشترک آن است که سازنده بخشی از دارایی خود را به تملک مصرف کننده مصدوم درآورد، منتها چون ممکن



است در میزان آن اختلاف شود، در شریعت مقدس اسلام، قیمت مالی آن بر حسب نوع و اندازه صدمه معین گردیده است و در این خصوص، فرقی بین غنی، فقیر و صغیر و کبیر نیست. با این توصیف، دیه از نظر ماهیت، عوض مالی مصدومیت به شمار می رود. و ویژگی آن جبران خسارت است. ولی به ظاهر و به صراحت ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی، دیه از اقسام مجازات‌هاست که در حق مصدوم پرداخت می گردد؛ لذا اولاً حکم به دیه صرفاً با رسیدگی کیفری ممکن است؛ و ثانیاً قاضی مکلف است صرف نظر از درخواست مصدوم، به آن حکم دهد، مگر اینکه در قانون به صراحت نصی حکم به آن را به درخواست مجنی علیه منوط کرده باشند و ثالثاً قاضی نمی تواند بیش از آنچه به عنوان مجازات در قانون آمده است، تحت عنوان دیگری مثل خسارت معنوی یا زیان مازاد بردیه به بدن به آن حکم دهد.

در هر حال به رغم جنبه کیفری، به لحاظ اینکه دیه در حق اشخاص خصوصی پرداخت می شود، نباید از توجه به جنبه خصوصی آن که واجد آثار خاصی است غافل ماند. مثلاً حکم به دیه، منوط به تقاضا و شکایت مصرف کننده مصدوم از کالای صنعتی است، به طوری که این مهم به صراحت در ماده ۱۲ قانون استاندارد و ماده ۶۱۶ مجازات اسلامی آمده است و نیز تعقیب دعوی و اجرای آن می تواند قابل گذشت باشد. این ویژگیها از مجازات دیه در مورد فوق و حتی در اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۷۷ تقاضای بازداشت سازنده محکوم و مستنکف از پرداخت دیه نه تنها ضرری به حال جامعه ندارد، بلکه به واسطه دخالت مصدوم در اجرای مجازات، به طور مؤثری، احساس انتقام جویی او را تحت تأثیر قرار می دهد و در عین حال، مصلحتی هم برای عرضه کننده یا عامل صدمه است که ممکن است کلاً یا بعضاً مورد اعلام گذشت مصرف کننده مصدوم از مجازات دیه قرار بگیرد.

نتیجه گیری

در نتیجه گیری پایانی این مقاله فهمیدیم که صدمات ناشی از کالای صنعتی به ظاهر و با لحاظ قضاوت‌های عرفی، بدون نیاز به اثبات تقصیر عرضه کننده و احراز عیب در کالا، حکایت از عیب کالا و انتساب آن به وی دارد و اساساً به صرف همین انتساب، صرف نظر از تقصیر، عرضه کننده به عنوان سبب اقوی در نتیجه، چون موجب صدمه جسمی یا جانی گردیده



مسئولیت کیفری دارد و باید از عهده مجازات آن که دیه است برآید، مگر اینکه ثابت نماید اقدامات غیر مجاز استفاده کننده یا شخص ثالث یا قوه قهریه در وقوع حادثه مؤثر بوده است که در این صورت از مسئولیت و پرداخت دیه مبری خواهد شد. لیکن به صراحت مواد قانون مجازات اسلامی جدید، در صورت اثبات تقصیر یا تعدد عرضه کنندگان در ایجاد سبب مؤثر در نتیجه که عرفاً دلالت بر تقصیر وی، بدون قصد نتیجه نماید، مجازات آنها علاوه بر دیه حبس نیز خواهد بود که پیشنهاد می گردد به جای حبس، در فکر تقنین مجازات جریمه و مهم تر از آن، اجرای انواع اقدامات تأمینی و تربیتی مثل الزام به رعایت استانداردهای خاص، مطابق با وضعیت و شخصیت عرضه کنندگان محصولات صنعتی باشیم. با این وصف باید گفت هنگامی که از کالای صنعتی به استفاده کننده آن آسیبی می رسد، همین قدر که احراز شود مصدومیت جسمی وی مستقیماً از کالای صنعتی بوده کافی است که بر عیب کالا و در واقع تعدی یا تفریط سازنده در ساختن آن دلالت نماید. بنابراین محصولات سازندگان که در وقوع جرم مؤثر است و همین طور رفتار توزیع کنندگان که استفاده کنندگان را به استفاده از کالا مغرور کرده است، بدون نیاز به اثبات تقصیر و به دلالت ظاهر، منتسب به اشخاصی است که آن را عرضه کرده اند و وی با لحاظ این فرض یا اماره تقصیر که از جانب آنها قابل رد است، در مقابل صدمات جسمی ناشی از تولیدات عرضه شده مسئولیت خواهند داشت و اگر این شخص اثبات نماید که علت صدمه، اقدام غیر مجاز استفاده کننده یا شخص ثالث و یا ناشی از قوه قهریه بوده است از مسئولیت کیفری مبری می شود.



منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم
۲. ادريس، احمد عوض، ديه، ترجمه دکتر علیرضا فیض، وزارت فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۷۲
۳. آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (جزایی) ۱۳۹۰-۱۳۷۵، تدوین فرج الله قربانی، ۱۳۹۰
۴. انصاری (شیخ)، مرتضی، مکاسب، قم، موسسه مطبوعات دینی، چ چهارم، ۱۳۸۹
۵. الجبعی العاملی، (شهید ثانی)، زین الدین، شرح المعه، المكتب العلمیه الاسلامیه، ج دهم، ۱۴۰۳ق
۶. خمینی (ره)، روح الله، موازین قضائی، ترجمه حسین کریمی، شکوری، ج اول، ۱۳۶۵
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول جدید، ج ۹، ۱۳۷۲
۸. راسا، میشل لور، مسؤلیت مدنی، ترجمه دکتر اشتري، نشر حقوقدان، چ اول، ۱۳۸۵
۹. فرشاد یکتا، محسن، مفهوم حقوق اقتصادی، تهران، انتشارات مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۹۰
۱۰. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (معاملات معوض و تملیکی)، نشر بهمنشیر، چ سوم، ۱۳۶۹
۱۱. ضمان قهری، تهران، نشر دهخدا، چ اول، ۱۳۶۲
۱۲. کمیسیون استفتائات و مشاورین شورای عالی قضائی، جزوه پاسخ و سولات، ج اول، ۱۳۷۲
۱۳. لازرژ، کریسین، سیاست جنائی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر یلدا، چ اول، ۱۳۸۰

